

به نام خدا

درس شانزدهم

جواد صمدی پور (دی ۱۳۹۵)

* شرّ به سبب خُبثِ طینت، آن را نپذیرفت: بدذاتی، پلیدی باطن

* حالی^۱ آن لعلِ آبدار^۲ گشاد پیشِ آن ریگِ آبدار^۳ نهاد

۱- بی درنگ، ۲- سنگ گران بهای درخشان، ۳- سنگِ دارای آب (**استعاره** از شر که آب به همراه داشت)، آبدار در این مصراع و آبدار در مصراع اول: جناس تام

* آتشم را بکش به لختی آب: آتشِ تشنگی ام را با مقداری آب، خاموش کن (**آتش: استعاره**)

* پیشِ آن «خاکِ تشنه» رفت چو باد: خاک تشنه **استعاره** از خیر مانند باد: **تشبیه**

* در چراغِ دو چشم^۱ او زد تیغ نامدش^۲ کشتن^۳ چراغ^۴، دریغ

۱- چشم به چراغ **تشبیه** شده، ۲- **جهش ضمیر**، ۳- خاموش کردن؛ کاربرد عادی بوده! تشخیص محسوب نمی شود. ۴- **استعاره** از چشم

* بر اثر ناله رفت: به دنبال، در پی

* موجبِ شفای صرعیان: باعثِ درمانِ بیماریِ صرع (=عَش)

* از خوانِ تو بسی خوردم: از سفره تو، بسیار خوردم (=از لطف و اکرام تو بهره مند شوم)

* وانچه دارم ز گوسفند و شتر دَهَمَت^۱ تا ز مایه گردی پُر^۲

۱- به تو (**متمم**)، ۲- تا پُر مایه و سرمایه دار شوی

*عاقبت خیر باد، چون نامت: همان گونه که نامت خیر است امیدوارم عاقبت این کار (درمان) همراه با خیر باشد.

*در تنش جُست و یافت آن دو گَهر تعبیه کرده در میان کمر (چوپان) بدن او را بررسی و تفتیش کرد و آن دو گوهر را یافت که در میان کمر بند، جاسازی کرده بود.

*آمد آورد پیش خیر، فراز گفت گوهر به گوهر آمد باز * چوپان، گوهر(ها) را نزد خیر آورد گوهر (سنگ قیمتی) به کسی که گوهر **استعاره** از خیر) است، بازگشت.

*مردی بر درازگوش^۱ نشسته بود و بُزی را رشته^۲ در گردن کرده و جلاجل^۳ در گردن او محکم بسته
۱- ألاغ، ۲- طناب، ۳- زنگوله‌های کوچک

*طُرفه مردمانند: مردم عجیبی هستند.

* طرّار، جامه و دستار برگرفت: دزد، لباس و سر بند (عمّامه) را برداشت (سرقت کرد).